

From alley of alienation to stair of identity, Comparative Studies of Cultural identity & Social behavior position in Iran and Japan Curriculum

Azam Azimi¹, Mojtaba Goodarzi*², Mohsen Rahmati³

1. Assistant Professor, Farhangian University, Shahid Beheshti brunch, Tehran.

2. Bachelor Graduated of Teaching Biology, Farhangian University, Shahid Beheshti brunch, Tehran (Goodarzi@cfu.ac.ir)

3. Bachelor Graduated of Teaching Elementary, Farhangian University, Shahid Mofateh brunch, Tehran

ABSTRACT

Keywords:

Cultural identity,
Curriculum,
Japan,
Iran,
Comparative
ComparisonNull
curriculum

¹ .Corresponding author



Goodarzi@cfu.ac.ir

Cultural identity and social behavior are two fundamental elements in shaping both individual and societal values within any community. Cultural identity, which originates from a society's culture, history, geography, and language, serves as a marker for lifestyle and social behavior. The education system plays a crucial role as a key medium for transmitting this identity and behaviors from one generation to the next. This study examines and compares the role of cultural identity and social behavior in the school curricula of Iran and Japan. The aim of this research is to analyze the extent to which cultural identity and social behavior are emphasized in the Iranian curriculum and to compare this with the approaches in Japan's educational system, a leading country in this field. Data for the research were collected through library sources, scientific and research articles, theses, and a systematic review of the literature was employed. The results indicate that while the Iranian curriculum is primarily focused on specialized subjects in basic and human sciences, Japan places significant emphasis on fostering cultural identity and Eastern ethics in its students. In Japan, the school system is not only viewed as an educational environment but also as a temple for developing individuals with strong cultural and moral identities.

ISSN (Online):

DOI:

Received: 1401/05/25 .Reviewed: 1403/05/22 Accepted: 1403/06/ 07 PP: 17

Citation (APA): koohiagdam,A. (2023). From alley of alienation to stair of identity, Comparative Studies of Cultural identity & Social behavior position in Iran and Japan Curriculum: *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 6(3), 1-18.



<https://doi.org/10.12345/tej.12.10.112>



از کوچه بیگانگی تا پله هویت، مطالعات تطبیقی جایگاه هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه درسی ایران و ژاپن

مقاله پژوهشی

اعظم عظیمی^۱، مجتبی گودرزی^{۲*}، محسن رحمتی^۳

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید چمران، مرکز آموزش عالی شهید بهشتی، تهران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی آموزش زیست‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی شهید بهشتی، تهران
(Goodarzi@cfu.ac.ir)

۳. دانش‌آموخته کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتح، تهران

چکیده

هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی دو عنصر اساسی در شکل‌دهی به شخصیت و ارزش‌های فردی و اجتماعی در هر جامعه‌ای هستند. هویت فرهنگی، که از فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و زبان یک جامعه سرچشمه می‌گیرد، به‌عنوان شناسه‌ای برای سبک زندگی و رفتار اجتماعی مردم عمل می‌کند. نظام آموزش و پرورش در این میان به‌عنوان مرجعی کلیدی برای انتقال این هویت و رفتارها از نسلی به نسل دیگر، نقش حیاتی ایفا می‌کند. این پژوهش به بررسی و مقایسه تطبیقی جایگاه هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه درسی دانش‌آموزان در ایران و ژاپن می‌پردازد. هدف از این پژوهش، تحلیل میزان توجه به عناصر هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه درسی ایران و مقایسه آن با رویکردهای موجود در نظام آموزشی ژاپن به‌عنوان کشوری پیشرو در این زمینه است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و پژوهشی، و پایان‌نامه‌ها گردآوری شده و از روش مرور نظام‌مند متون بهره‌گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در حالی که برنامه درسی ایران بیشتر به موضوعات تخصصی علوم پایه و انسانی متمرکز است، در ژاپن توجه عمده‌ای به پرورش هویت فرهنگی و اخلاق شرقی دانش‌آموزان شده است. نهاد مدرسه در ژاپن نه تنها به‌عنوان محیط آموزشی، بلکه به‌عنوان معبدهی برای ساختن انسان‌هایی با هویت فرهنگی قوی و اخلاقی تلقی می‌شود.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید

DOI:

واژه‌های کلیدی:

هویت فرهنگی، برنامه درسی،

ایران،

ژاپن،

مقایسه تطبیقی

۱. نویسنده مسئول

Goodarzi@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

شماره صفحات: ۱۷

فرهنگ مقوله‌ای پیچیده است و دارای ماهیتی غیرقابل توصیف می‌باشد (Campbell, 2010). پژوهشگران تعاریف متعددی در حیطه‌ی فرهنگ مطرح کرده‌اند که هر یک بیانگر زاویه‌ای از فرهنگ بوده است. همین گستردگی و غیرروشن بودن ماهیت فرهنگ موجب شده است که متمرکزترین دولت‌ها نیز نتوانند سیاست یکپارچه‌ای را در خصوص فرهنگ اتخاذ کنند (Bourdieu, 1993). این مهم موجب شده است که مقوله‌ی فرهنگ در آموزش و پرورش بسیاری از کشورها، حتی کشورهای توسعه‌یافته مغفول بماند و متعاقب آن، هویت فرهنگی جامعه را در مسیر تندبادهایی قرار دهد که از سرزمین‌های بیگانه وزیدن گرفته‌اند. البته در این میان کشورهایایی نیز بوده‌اند که تلاش‌های هرچند ناکامی جهت صیانت از هویت و اصالت فرهنگی جامعه‌ی خود انجام داده‌اند.

پیشرفت‌های متعدد بشر در حوزه‌ی فناوری و تولید و تولد نیازهای جدید برای انسان موجب شده است که بیگانگی اجتماعی به‌عنوان یک پدیده‌ی جمعی زمانی رخ دهد که گروه‌های مختلف در جامعه به مرور از یکدیگر جدا شده و ارتباطات و تعاملات بین آن‌ها کاهش یابد (Durkheim, 2018). این نوع بیگانگی می‌تواند در نتیجه چندین عامل نظیر نابرابری اقتصادی (Wilkinson, 2009)، تبعیض نژادی یا قومی (Bonilla-Silva, 2006)، و قطب‌بندی سیاسی (McCoy, 2018) رخ دهد. به‌عنوان مثال، نابرابری اقتصادی موجب می‌شود که طبقات مختلف جامعه کمتر با یکدیگر تعامل داشته باشند و به این ترتیب، احساس همبستگی اجتماعی کاهش یابد (Putnam, 2000). همچنین، تبعیض‌های نژادی و قومی می‌توانند منجر به ایجاد شکاف‌های عمیق بین گروه‌های مختلف در جامعه شوند که این خود به بیگانگی اجتماعی در سطح وسیع‌تر دامن می‌زند (Bonilla-Silva, 2006). ناگفته نماند که برنامه‌ی درسی و تعلیم و تربیت مدرسه‌ای باید همسو با ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد؛ چرا که در شکل‌گیری شخصیت، هویت و اصالت دانش‌آموزان، آرزوها، مذهب، محیط زندگی و والدین نقش مؤثری دارند (Mehrmohammadi, 2009). همه‌ی این عوامل مذکور در بستری موسوم به ساخت فرهنگی جامعه بروز می‌کنند. برنامه‌ی درسی به مثابه‌ی پیش‌رانه‌ی تعلیم و تربیت است و از آنجا که زاینده‌ی فرهنگ است، همچون فرهنگ دارای زوایای پنهان و رویکردهای متعددی است و در مواردی برخی رویکردها بر رویکردهای دیگر غلبه داشته‌اند.

پرواضح است که در کشور ما و تقریباً همه‌ی کشورهای در حال توسعه تا مدت‌ها تمرکز برنامه‌ی درسی بر انتقال یک‌طرفه‌ی دانش به دانش‌آموزان بوده است و جای تعامل، انتقاد و گفت‌وگوی دانش‌آموزان، مباحثه و مناظره خالی بوده است (Soltan-al-Qaraei, 2008). این رویکرد عموماً کتاب‌محور بوده و فراگیران را به‌طور ویژه درگیر یک سری از موضوعات علمی می‌کند که صرف‌نظر از کاربردی بودن یا نبودن، با نیازهای فطری انسان فاصله‌ی قابل‌توجهی دارد و این موضوع موجب ایجاد دغدغه‌ی ذهنی و خاموش کردن شعله‌های ابتکار و خلاقیت در ذهن فراگیران می‌شود. در واقع، این رویکرد برنامه‌ی درسی موجب ایجاد اعتقاد بی‌دلیل به موضوعی خاص، تعصب و غرور غیرموجه شده

و فرد را در مقابل "خود" قرار می‌دهد (Omar, 2016). هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی از جمله مؤلفه‌های اساسی در تربیت و آموزش نسل‌های آینده به شمار می‌آیند. درک این دو مفهوم و نحوه‌ی ادغام آن‌ها در برنامه‌های درسی، تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت و ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد. هویت فرهنگی به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی که افراد را به یک گروه خاص فرهنگی پیوند می‌دهد، نقش مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی و حفظ ارزش‌های جامعه دارد (Smith, 1991)، از سوی دیگر، رفتار اجتماعی که شامل نحوه‌ی تعامل فرد با دیگران و جامعه است، به شدت تحت تأثیر نوع تربیت و آموزش‌های رسمی و غیررسمی قرار دارد (Bandura, 1977). در بسیاری از کشورها، برنامه‌های درسی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای انتقال هویت فرهنگی و تقویت رفتار اجتماعی طراحی می‌شوند. با این حال، نحوه‌ی ادغام این مفاهیم در برنامه‌های درسی ممکن است در کشورهای مختلف متفاوت باشد.

این مقاله به مقایسه‌ی تطبیقی جایگاه هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه‌ی درسی دو کشور ایران و ژاپن می‌پردازد. انتخاب ایران و ژاپن به‌عنوان موضوع این مطالعه به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و آموزشی متمایز این دو کشور است. ایران به‌عنوان کشوری با پیشینه‌ای غنی از هویت اسلامی و ایرانی و ژاپن به‌عنوان جامعه‌ای با تأکید بر ارزش‌های جمع‌گرایی و احترام به سنت‌ها، هر یک الگوهای خاصی از هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی را در برنامه‌های درسی خود منعکس می‌کنند (Leung, 2004). این مطالعه به دنبال آن است که با بررسی این دو کشور، به درک بهتری از نحوه‌ی تبیین هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه‌های درسی کشورهای مختلف دست یابد.

سؤال اصلی این تحقیق این است که چگونه برنامه‌های درسی ایران و ژاپن به شکل‌دهی هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کنند؟ بررسی تطبیقی این دو کشور می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی چگونگی ادغام هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در سیستم‌های آموزشی مختلف فراهم کند و به تدوین سیاست‌های آموزشی مؤثرتر در دیگر کشورها نیز کمک کند. پیشینه‌ی پژوهشی در این زمینه نشان می‌دهد که درک صحیح از جایگاه هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه‌های درسی می‌تولند به تقویت همبستگی اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی در جامعه کمک کند (Giroux, 1991). اهمیت این موضوع به‌ویژه در دنیای جهانی‌شده‌ی امروز که هویت‌های فرهنگی در معرض تغییرات سریع قرار دارند، دوچندان می‌شود. بنابراین، مطالعه‌ی تطبیقی ایران و ژاپن به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و روش‌های آموزشی منحصر به فرد، می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی را در این حوزه ارائه دهد.

پیشینه و چارچوب نظری پژوهش

هویت فرهنگی در برنامه‌های درسی ایران و ژاپن تحت تأثیر تاریخ، سیاست، و اهداف ملی قرار دارد. در ایران، هویت فرهنگی به‌طور عمیقی با عناصر اسلامی و ملی آمیخته است. پس از انقلاب اسلامی،

آموزش به عنوان ابزاری برای تقویت این هویت‌ها عمل می‌کند. برنامه‌های درسی در ایران، به‌ویژه دروس علوم انسانی و اجتماعی، تأکید زیادی بر ارزش‌های اسلامی و هویت ملی دارند. (Maleki, 2010) این محتواها در راستای اصول انقلاب و سیاست‌های فرهنگی دولت طراحی شده‌اند و هدف اصلی آن‌ها حفظ و انتقال ارزش‌های اسلامی و ملی به نسل‌های جدید است. تحقیقات نشان می‌دهند که محتواهای آموزشی در ایران به تقویت حس هویت اسلامی و ملی در میان دانش‌آموزان کمک می‌کنند. (nia, 2011 Loghmani)

درمقابل، تاریخ ژاپن نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی این کشور داشته است. پس از دوره میجی و مدرنیزاسیون، ژاپن به دنبال ایجاد یک هویت ملی منسجم بود که هم ریشه در سنت‌ها و تاریخ امپراتوری داشته باشد و هم بتواند در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند. در این راستا، سیستم آموزشی ژاپن بر محور ارزش‌های ملی و فرهنگی تمرکز دارد و با استفاده از کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی به تقویت این هویت می‌پردازد. (Smith, 1991) برنامه‌های درسی ژاپن تلاش می‌کنند تا تصویری یکپارچه از تاریخ و فرهنگ ملی ارائه دهند، در حالی که واقعیت‌های تاریخی و تنوع منطقه‌ای ژاپن اغلب پیچیدگی‌های بیشتری را نشان می‌دهند

در ژاپن، هویت فرهنگی به‌طور خاص با مفهوم «وا» یا هماهنگی و احترام به سلسله مراتب اجتماعی تعریف می‌شود. این مفاهیم به‌طور گسترده‌ای در نظام آموزشی منعکس می‌شوند و هدف آن‌ها تقویت هماهنگی اجتماعی و تقویت حس همبستگی ملی است. از دوره میجی به بعد، سیستم آموزشی ژاپن به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر ناسیونالیسم فرهنگی قرار گرفت که با تأکید بر تاریخ، سنت‌ها و امپراتوری ژاپن همراه بود. (Nakayasu, 2016)

با وجود این، هر دو کشور با چالش‌های خاص خود در زمینه هویت فرهنگی روبرو هستند. در ایران، یکی از چالش‌های اصلی، تعادل بین ارزش‌های سنتی و نیازهای مدرن جامعه است. برنامه‌های درسی باید به گونه‌ای طراحی شوند که همزمان با حفظ هویت اسلامی، دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه جهانی آماده کنند. (Malaeinejad, 2008) این مسئله به‌ویژه در برنامه‌های درسی مانند فناوری و کارآفرینی که نیازمند دیدگاه‌های مدرن و کاربردی است، برجسته‌تر می‌شود.

در ژاپن، چالش اصلی در هماهنگ کردن سنت‌های تاریخی با جامعه مدرن و جهانی است. ژاپن با تأکید بر هویت فرهنگی و ارزش‌های سنتی در برنامه‌های درسی خود، گاهی با مسائل هویتی و نیاز به بازنگری در نحوه نمایش تاریخ و فرهنگ خود مواجه است. به‌عنوان مثال، روایت‌های تاریخی ژاپن به‌طور مداوم مورد بازبینی قرار می‌گیرند تا با دیدگاه‌های جدید اجتماعی و تاریخی هماهنگ شوند.

به‌طور کلی، برنامه‌های درسی در ایران و ژاپن به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت فرهنگی و ملی عمل می‌کنند، اما این کار با رویکردها و روش‌های متفاوتی انجام می‌شود. ایران از طریق تأکید بر ارزش‌های اسلامی و ملی به دنبال حفظ هویت فرهنگی خود است، در حالیکه ژاپن با ترکیب سنت‌های تاریخی و مدرن‌سازی به تقویت حس همبستگی ملی و هویت فرهنگی می‌پردازد. این

تفاوت‌ها نشان می‌دهند که چگونه هویت فرهنگی می‌تواند تحت تأثیر تاریخ، سیاست، و نیازهای اجتماعی هر کشور شکل بگیرد (Jafari, 2019) و در برنامه‌های درسی به نمایش درآید.

روش شناسی

در این مطالعه از روش مرور نظام‌مند متون جهت جمع‌آوری گزارش‌ها و مقالات مرتبط با جایگاه فرهنگ و هویت فرهنگی در برنامه‌ی درسی مدارس ایران و ژاپن استفاده شد. بدین منظور، به‌صورت هدف‌دار و با تمرکز بر سوالات مطرح‌شده در پژوهش، جستجوی اطلاعات مورد نیاز، بازیابی، ارزیابی، یکپارچه‌سازی و گزارش شواهد مرتبط با مقایسه‌ی برنامه‌ی درسی کشورمان با ژاپن در متون علمی معتبر انجام شد. مراحل جستجو، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها شامل مراحل تدوین سوال‌های آغازگر جستجو، استراتژی جستجو، معیارهای انتخاب سوالات، ابزارهای بررسی کیفیت و ارزیابی مطالعات بود. مراحل اصلی استراتژی این جستجو بدین شرح است: در مرحله‌ی اول به شناسایی منابع در پایگاه‌های اطلاعاتی پرداخته شد. در این مرحله، یک جستجوی الکترونیکی جهت شناسایی مقالات منتشرشده از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ در پایگاه‌های اطلاعاتی تیلور فرانسیس، گوگل اسکولار، ساینس دایرکت، آکسفورد ژورنال، اریک و مرکز اطلاعات جهاد دانشگاهی صورت گرفت. در این مرحله، ابتدا کلیدواژه‌های ذیل به‌صورت جداگانه و سپس به‌صورت ترکیبی مورد استفاده قرار گرفت High School, Patriotism, Culture, Japan, Education Policy در این مرحله ۱۳۰ مقاله شناسایی شد که عنوان مقالات از لحاظ مطابقت با معیارهای ورود به مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. معیارهای موردنظر برای انتخاب مقالات عبارت بود از: مطالعات مروری و علمی پژوهشی که تأکیدشان بر عناصر و اجزای فرهنگی و وابسته به هویت ملی برنامه‌ی درسی ایران و ژاپن بود. سایر مقالاتی که دربرگیرنده‌ی مفاهیم مذکور نبودند از مطالعه خارج شدند. در مرحله‌ی دوم، عنوان، چکیده و واژه‌های کلیدی مطالعه بازیابی شدند و از منظر ارتباط و انطباق با سوالات تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. پس از خروج مقالاتی که دربرگیرنده‌ی معیارهای ورود نبودند، تعداد مقالات بررسی‌شده به ۶۵ مقاله رسید. در مرحله‌ی سوم، متن کامل مقالات انتخاب‌شده از نظر ارتباط با سوالات تحقیق بازبینی شدند و در این مرحله نیز تعدادی از مقالات که دربرگیرنده‌ی معیارهای ورود نبودند از چرخه‌ی بررسی خارج شدند و در نهایت تعداد کل مقالات دارای معیارهای ورود به مطالعه به عدد ۳۸ رسید. در مرحله‌ی آخر، متن کامل این مقالات ترجمه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و واری داده‌ها، از آنجا که با توجه به ماهیت سوالات پژوهش، آنالیز آماری موضوعیت نداشت، جهت بررسی مقالات از روش آنالیز تماتیک استفاده شد. آنالیز تماتیک امکان توسعه و پالایش مضامین برآمده از مقالات را فراهم می‌کند. بدین منظور، محققان با بهره‌گیری از نرم‌افزار «مکس کیودی‌ای» یافته‌های کلیدی مقالات را خلاصه‌سازی کرده و شواهد را تفسیر نمودند. سؤالاتی که این پژوهش در جستجوی پاسخ به آن‌ها بوده است عبارتند از: اهداف برنامه‌ی درسی در کشور ژاپن چه بوده است؟

در ایران، برنامه‌ی درسی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ آیا در ژاپن نیز اسناد بالادستی تعیین‌کننده‌ی جهت برنامه‌ی درسی هستند؟ از لحاظ وزنی و محتوایی، چه مقدار از برنامه‌ی درسی کشور ژاپن به مقوله‌ی فرهنگ و هویت فرهنگی دانش‌آموزان اختصاص پیدا کرده است؟ این وضعیت در کشور ما چگونه است؟

یافته‌ها

هویت فرهنگی در ایران ریشه در تاریخ، دین و سنت‌های ملی دارد. سیستم آموزشی ایران با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی، سعی دارد دانش‌آموزان را با اصول و مبانی دینی و ملی کشور آشنا کند (Taleghani, 2017). برنامه‌های درسی در ایران شامل درس‌هایی مانند تعلیمات دینی، تاریخ اسلام و ایران، و زبان و ادبیات فارسی هستند که هر کدام نقش مهمی در انتقال هویت فرهنگی به نسل‌های جدید ایفا می‌کنند. در این برنامه‌ها، تأکید بر ارزش‌های اسلامی نظیر احترام به خانواده، عدالت و صداقت، به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر هویت فرهنگی ایرانی برجسته می‌شود. همچنین، نقش زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی در تقویت همبستگی ملی و انتقال فرهنگ ایرانی به وضوح مشهود است (Smith, 1991).

رفتار اجتماعی در برنامه‌های درسی ایران بیشتر در قالب آموزش‌های دینی و اخلاقی مطرح می‌شود. هدف این آموزش‌ها، تربیت دانش‌آموزانی است که به اصول اخلاقی و اجتماعی جامعه پایبند باشند و رفتارهایی منطبق با ارزش‌های اسلامی از خود نشان دهند. این موارد از طریق درس‌هایی چون تعلیمات دینی و اخلاق اسلامی در برنامه‌ی درسی گنجانده شده است (Taleghani, 2017). یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رفتار اجتماعی در ایران، تأکید بر احترام به بزرگ‌ترها و رعایت آداب اجتماعی در تعاملات روزمره است. این موضوع در فرهنگ اسلامی و ایرانی ریشه دارد و در سیستم آموزشی نیز به خوبی منعکس می‌شود. هدف نهایی این است که دانش‌آموزان بتوانند به عنوان اعضای مسئول و مؤثر در جامعه مشارکت کنند و به حفظ نظم و انسجام اجتماعی کمک نمایند. در ژاپن، هویت فرهنگی به‌طور گسترده‌ای از طریق آموزش‌های مبتنی بر ارزش‌های سنتی و ملی گرایانه تقویت می‌شود.

برنامه‌های درسی ژاپن شامل دروسی است که دانش‌آموزان را با تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های ژاپنی آشنا می‌کند (Leung, 2004). یکی از مؤلفه‌های مهم هویت فرهنگی در ژاپن، تأکید بر ارزش‌های جمع‌گرایانه است که در تمامی سطوح آموزشی برجسته می‌شود. به‌عنوان مثال، درس‌هایی مانند مطالعات اجتماعی و تاریخ ژاپن، دانش‌آموزان را با ارزش‌هایی نظیر احترام به دیگران، اهمیت خانواده و مسئولیت‌پذیری آشنا می‌کند. همچنین، زبان ژاپنی به عنوان زبان ملی و فرهنگی کشور نقش کلیدی در حفظ و انتقال هویت فرهنگی ایفا می‌کند. رفتار اجتماعی در ژاپن بر اساس اصول همبستگی اجتماعی و احترام به هنجارهای گروهی شکل می‌گیرد. برنامه‌های درسی ژاپن به شدت بر

روی آموزش‌های اجتماعی و اخلاقی تأکید دارند که هدف آن تربیت دانش‌آموزانی است که توانایی مشارکت مؤثر در جامعه را داشته باشند و به حفظ نظم و احترام به دیگران پایبند باشند (Bandura, 1977).

یکی از ویژگی‌های بارز سیستم آموزشی ژاپن، تأکید بر کار گروهی و همکاری در فعالیتهای کلاسی است. این رویکرد نه تنها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی لازم را فرا بگیرند، بلکه آن‌ها را به سوی رفتارهای اجتماعی جمع‌گرا و تعاملات مثبت در جامعه هدایت می‌کند. برنامه‌های درسی ژاپن نیز شامل فعالیتهایی است که از طریق آن‌ها دانش‌آموزان ارزش‌هایی نظیر همکاری، مسئولیت‌پذیری و احترام به دیگران را فرا می‌گیرند. مقایسه تطبیقی بین ایران و ژاپن نشان می‌دهد که هر دو کشور به هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه‌های درسی خود توجه ویژه‌ای دارند، اما رویکردهای آن‌ها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت است.

در ایران، تأکید بیشتری بر ارزش‌های دینی و ملی وجود دارد، در حالی که در ژاپن، تمرکز بر ارزش‌های جمع‌گرا و سنت‌های ملی است. در زمینه رفتار اجتماعی، هر دو کشور تلاش دارند تا دانش‌آموزان را به عنوان اعضای مسئول و فعال در جامعه تربیت کنند، اما رویکرد ژاپن بیشتر بر کار گروهی و همکاری استوار است، در حالی که ایران بر تربیت فردی و رعایت اصول اخلاقی تأکید دارد. برنامه‌ی درسی ملی ژاپن تنظیم‌کننده‌ی محتوای ارائه‌شده در مدارس، میزان ساعات حضور دانش‌آموزان در مدرسه و چگونگی فعالیتهای فوق‌برنامه است. این برنامه برای اولین بار در سال ۱۹۴۷ نگارش شد و تقریباً هر ۱۰ سال یکبار به‌طور کامل بازنگری می‌شود. برنامه‌ی درسی ملی ژاپن همچون اسناد بالادستی آموزش و پرورش در کشورمان بر تمرکزگرایی تأکید می‌کند (Nakayasu, 2016). به‌عنوان نمونه، در کشور ژاپن همچون ایران، مدارس نمی‌توانند برنامه‌ی درسی مستقلی را طراحی کنند که متناسب با شرایط موقعیت جغرافیایی و یا زبان مردم آن منطقه باشد و همه‌ی مدارس می‌بایست از سرفصل‌های تعریف‌شده توسط وزارت آموزش و پرورش پیروی کنند. اما با توجه به توزیع نابرابر فرصت‌های آموزشی در مناطق مختلف ژاپن، در سال ۲۰۰۳ قانونی تحت عنوان “Special Zones for Structural Reform” تصویب و به مدارس اجازه‌داده شد که متناسب با وضعیت منطقه، آموزش‌هایی را در اختیار دانش‌آموزان دهند که منجر به تقویت هویت ملی و فرهنگی در آن‌ها شود، این آموزش‌ها عمدتاً توسط مدارس مقطع ابتدایی و متوسطه‌ی اول ارائه می‌شود و عبارتند از: آموزش زبان انگلیسی در مدارس ابتدایی و آموزش مهارت‌های زبانی و نوشتاری به‌ویژه به دانش‌آموزانی که از طبقه‌ی ضعیف جامعه هستند. این قانون موجب شد که برای اولین بار مدارس ژاپن اجازه داشته باشند محتوایی خارج از سرفصل‌های تعریف‌شده‌ی وزارت آموزش و پرورش در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند.

لازم به توضیح است که مدارس ژاپن به‌طور آزادانه نمی‌توانند هر محتوایی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند و می‌بایست بابت ارائه‌ی هر محتوای خارج از سرفصل، از وزارت آموزش و

پرورش مجوز بگیرند. اصلی‌ترین هدف برنامه‌ی درسی در ژاپن "ایجاد شوق زندگی" در میان دانش‌آموزان است (Kimura, 2017). از روشن‌ترین موارد تفاوت میان برنامه‌ی درسی ملی کشورمان با ژاپن، شفاف بودن و مصداقی بودن اهداف در برنامه‌ی درسی این کشور است، در حالی که در کشور ما بسیاری از اهداف برنامه‌ی درسی ملی فاقد مصداق روشنی هستند، به‌طور مثال، جهت‌گیری برنامه‌ی درسی ملی در کشورمان «فطرت‌گرایی توحیدی» عنوان شده است که اگرچه موضوعی غایی و آرمانی به حساب می‌آید، اما دارای تفاسیر گوناگونی در حوزه‌ی علوم انسانی بوده است (Maleki, 2010). این تفاسیر گوناگون شاید موجب شده است که هر دولتی در کشورمان در خصوص آموزش و پرورش، سیاست مستقلی نسبت به دولت قبلی داشته باشد (Heydari, 2019). از مهم‌ترین موارد مطروحه در برنامه‌ی ملی درسی ژاپن ایجاد تعادل در میان «دانش تخصصی و اخلاق، فرهنگ و تربیت بدنی» بوده است. بر این اساس، دانش‌آموزان علاوه بر اینکه می‌بایست دانش پایه و تخصصی را کسب کنند، باید در طول تحصیل توانایی تفکر نقادانه، تصمیم‌گیری مستقلانه، نگارش متن براساس اصول استاندارد زبان را نیز بیاموزند و همچنان توانایی کافی برای حفظ سلامت جسمانی خود را داشته باشند (Nakayasu, 2016).

پرواضح و پیداست که در سند ملی درسی نیز این موارد مورد توجه قرار گرفته است. مشخصاً در بخش «اصول ناظر بر برنامه‌ی درسی و تربیتی» برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران و زیربخش هشتم بیان می‌شود که: «برنامه‌ی درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره‌گیری از روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌ها پایبند باشد». البته در برنامه‌ی درسی ملی کشورمان برخلاف کشور ژاپن به صراحت در خصوص تعادل میان دانش تخصصی، اخلاق، فرهنگ و تربیت بدنی سخنی رانده نشده و مفهوم تعادل به‌صورت کلی بیان شده است.

براساس اصول تعریف‌شده در برنامه‌ی درسی ژاپن، دلیل ایجاد تعادل در میان دانش تخصصی و فرهنگ، اخلاق و تربیت بدنی این بوده است که دانش‌آموزان که قرار است پیشاهنگ تغییرات اجتماعی جامعه تلقی شوند، با روند تغییرات جامعه نظیر «رشد سریع فناوری»، «پیری و کاهش نرخ تولد» که جملگی جز پیامدهای قطعی آینده‌ی بشر هستند، کنار بیایند. این موضوعی است که در برنامه‌ی درسی کشورمان توجه کمتری به آن شده است. کاهش جمعیت و نگرانی از کاهش نیروی کار، افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی و رفاهی سالمندان به‌واسطه‌ی ابتلا به بیماری و از کارافتادگی و بحران‌های مالی صندوق‌های بازنشستگی کشور، امروزه به ابرچالش‌های اجتماعی-اقتصادی ایران بدل شده‌اند (Parvandi, 2020). همه‌ی این‌ها جز مواردی هستند که آموزش و پرورش و در رأس آن برنامه‌ی درسی ملی باید به آن‌ها توجه کنند. علاوه بر «حضور فرهنگ، اخلاق و تربیت بدنی» در برنامه‌ی درسی ژاپن که محور و تنظیم‌کننده‌ی رابطه‌ی مدرسه با دانش‌آموزان است، در موارد متعددی در بازنگری قانون اساسی آموزش و پرورش ژاپن در سال ۲۰۰۸ میلادی مواردی مطرح شده

که به تقویت هویت فرهنگی و بهبود روابط اجتماعی دانش‌آموز با جامعه می‌پردازد. از جمله‌ی آن‌ها عبارتند از:

- ۱- تقویت فعالیت‌های کلامی دانش‌آموزان همچون ایجاد توانایی توضیح، تبیین، مناظره و نقد مطالب به زبان رسمی در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، متوسطه‌ی اول و متوسطه دوم.
 - ۲- ارتقای آموزش‌ها در حوزه علوم و ریاضی مبتنی بر تمرین، تکرار و آزمایش با هدف تقویت توانایی "منطق و تصمیم‌گیری" در میان دانش‌آموزان.
 - ۳- ارتقای آموزش‌ها در حوزه فرهنگ و اصالت ژاپنی همچون کارکردن دانش‌آموزان با چرتکه، پوشیدن لباس‌های سنتی در مدرسه و اجباری کردن هنرهای رزمی.
 - ۴- ارتقای آموزش‌ها در حوزه اخلاق همچون استفاده از معلمانی که موجب تربیت اخلاقی دانش‌آموزان می‌شوند و با هدف آماده‌سازی دانش‌آموزان برای رهبری جامعه.
 - ۵- ارتقای آموزش‌ها در حوزه کسب فعالیت‌های تجربی همچون اردوهای شبانه در مدرسه و فعالیت‌های تجربی در طبیعت.
 - ۶- ارتقای آموزش در حوزه زبان‌های خارجی به منظور آشنایی دانش‌آموزان با زبان‌های خارجی متناسب با ارتباطات جهانی ژاپن.
 - ۷- ارتقای آموزش‌ها در حوزه وظایف شهروندی همچون تربیت دانش‌آموزان مقید به هنجارهای اجتماعی جامعه، متخلق به اخلاق ژاپنی و آگاه در زمینه محیط زیست و انرژی.
- بر اساس اهداف آموزش و پرورش ژاپن و برنامه‌ی درسی این کشور، دنبال کردن تمام موارد بالا در مدارس ژاپن در نهایت باید موجب تحقق هدف اصلی برنامه‌ی درسی، یعنی "ایجاد و حفظ شوق زندگی" در دانش‌آموزان شود. در کشور ما نیز در سند تحول بنیادین، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰ شمسی، به تربیت دانش‌آموز تمام‌ساحتی اشاره شده است که تا حدودی با برنامه‌ی آموزش و پرورش ژاپن تجانس دارد. ساحت‌های مطرح در سند تحول بنیادین عبارتند از: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیباشناختی و هنری، اقتصادی، حرفه‌ای و علمی و فناورانه. در سال ۱۳۸۸ نیز وزارت آموزش و پرورش کشورمان به منظور تقویت و اجرای فرهنگ اسلامی و بر پایه‌ی حدیث نقل‌شده از پیامبر اسلام «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ وَ الْفَرُوسِيَةَ» (به فرزندان خود شنا، تیراندازی و سواری‌کاری بیاموزید)، با طرحی موسوم به "سباح"، اقدام به اجباری کردن ورزش شنا در مقطع ابتدایی کرد. این موضوع مشابه اقدام ژاپن در اجباری کردن هنرهای رزمی در میان دانش‌آموزان بوده است. اما در کشور ما به دلیل ضعف در زیرساخت‌های مدیریتی و آموزشی با استقبال چندانی مواجه نشد (Sarlak, 2021). نکته‌ی قابل توجه در خصوص آموزش و پرورش ژاپن، شباهت سطح علمی دانش‌آموزان ژاپنی و ایرانی در حوزه‌ی منطق، ریاضی، علوم و مهارت‌های کلامی است.

دانش‌آموزان ژاپنی تا مدت‌ها در آزمون‌های سنجش تحصیلی بین‌المللی نظیر تیمز و پرلز نمرات پایینی کسب می‌کردند و در عوض در المپیادهای علمی موفق بودند. این موضوع مشابه وضعیت کشور ما بوده است. عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در آزمون تیمز بسیار پایین‌تر از استاندارد جهانی ارزیابی شده است (Miller, 2005)، در حالی که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های متمادی مدافع عنوان کسب مدال‌های رنگارنگ در المپیادهای علمی دانش‌آموزان بوده است. وزارت آموزش و پرورش ژاپن به منظور تقویت سواد ادبی و فرهنگی دانش‌آموزان ژاپنی و با توجه به نتایج ضعیف این دانش‌آموزان در آزمون پرلز، از نظام آموزشی کشورهای فنلاند و نروژ الگوبرداری کرده است و توانسته است عملکرد دانش‌آموزان خود را در این آزمون ارتقای قابل توجهی بدهد (Nakayasu, 2016). بررسی موضوع کتاب‌های درسی دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی و متوسطه‌ی اول در کشور ژاپن نشان از غلبه‌ی "محتوای ملی و فرهنگی" بر "محتوای علمی تخصصی" دارد. در مقابل، در کشور ما وزن محتوای علمی و تخصصی بیش از محتوای ملی و فرهنگی است.

جدول ۱: مقایسه عناوین کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی در ژاپن و ایران

عناوین کتاب‌های مقطع ابتدایی در کشور ایران	عناوین کتاب‌های مقطع ابتدایی در کشور ژاپن
آموزش قرآن	زبان ژاپنی
فارسی	مطالعات اجتماعی
نگارش	علم حساب
ریاضی	علوم
علوم تجربی	مطالعات محیط زیست
هدیه‌های آسمانی	موسیقی
مطالعات اجتماعی	هنر و صنایع دستی
کار و فناوری	اقتصاد خانه
تفکر و پژوهش	تربیت بدنی

وجود کتاب‌هایی نظیر "موسیقی"، "مطالعات محیط زیست"، "هنر و صنایع دستی"، "مطالعات اجتماعی" و "تربیت بدنی" نشان از نقش پررنگ "فرهنگ، اخلاق و تربیت بدنی" در برنامه‌ی درسی ملی ژاپن دارد (Isozaki, 2018). لازم به توضیح است که علاوه بر کتاب‌های فوق، "آموزش اخلاق" و "زبان‌های خارجی" نیز در دستور کار مدارس ابتدایی ژاپن بوده است، اما تعیین سرفصل‌های آن‌ها بر عهده‌ی مدارس بوده است. زمان برگزاری هر کلاس در مقطع ابتدایی در کشور ژاپن در تمام مقاطع ۴۵ دقیقه تعیین شده است؛ این مقدار در کشور ما در مقاطع اول، دوم، سوم ۴۵ دقیقه و در مقاطع بالاتر ۵۰ دقیقه تعیین شده است. مجموع ساعات آموزش در کشورمان در کلیه‌ی مقاطع ابتدایی ۹۲۵ ساعت تعریف شده است، اما این ساعت در کشور ژاپن در مقاطع مختلف متفاوت بوده و به تدریج و با افزایش پایه، ساعت آموزش نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۲: مجموع ساعات آموزشی مقطع ابتدایی در کشور ژاپن

اول ابتدایی	دوم ابتدایی	سوم ابتدایی	چهارم ابتدایی	پنجم ابتدایی	ششم ابتدایی
۸۵۰ ساعت	۹۱۰ ساعت	۹۴۵ ساعت	۹۸۰ ساعت	۹۸۰ ساعت	۹۸۰ ساعت

همچنین بررسی برنامه‌ی درسی کشور ژاپن در مقطع متوسطه‌ی اول نیز نشان می‌دهد که این کشور در این مقطع، آموزش‌های مرتبط با اخلاق و فرهنگ را به منظور آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آینده مورد توجه قرار داده است. مدت زمان هر زنگ آموزشی در دوره‌ی متوسطه‌ی اول در کشور ژاپن معادل ۵۰ دقیقه بوده است. هرچند که کتاب‌های درسی متوسطه‌ی اول در کشورمان نیز طبق برنامه‌ی درسی ملی بر پایه‌ی تک‌زنگ‌های ۵۰ دقیقه‌ای طراحی شده‌اند، اما عمده‌ی مدارس در کشور در برنامه‌ریزی‌های خود هر زنگ آموزشی را ۷۰ تا ۹۰ دقیقه در نظر می‌گیرند. این موضوع موجب کاهش بازدهی آموزشی در مقطع متوسطه‌ی اول و کاهش بهره‌وری کلاس درس شده است و طبیعتاً منجر به کاهش زمان زنگ تفریح می‌شود که خود موجب کاهش اشتیاق دانش‌آموزان می‌گردد (Farahani,2020).

امروزه برخی از مشکلات اقتصادی کشورمان ناشی از «ایجاد نظام دلال‌محور، افزایش غیرمنطقی قیمت کالاهای ضروری، احتکار و قاچاق اجناس» در اقتصاد بوده است. این موضوع به دلیل فقدان "فرهنگ اقتصادی" در جامعه‌ی ایران بوده است (Rostaghi,2017) که یکی از دلایل آن، غیبت سرفصل‌های مربوط به فرهنگ اقتصادی در مقطع ابتدایی و متوسطه‌ی اول بوده است. در حالی که در کشور ژاپن هم در مقطع ابتدایی و هم در مقطع متوسطه‌ی اول به دانش‌آموزان می‌آموزند که «درآمدزایی می‌بایست از راه اخلاقی و بدون آسیب زدن به منافع سایر افراد جامعه» دنبال شود (Yamaoka,2010). این موضوع به‌طور مشخص در کتاب‌های "مطالعات اجتماعی" و "فناوری و اقتصاد خانه" کشور ژاپن بیان شده است. هرچند که در کتاب "کار و فناوری" در کشورمان نیز بحث‌هایی در خصوص مدیریت اقتصادی خانواده و ترویج و تشویق کار و درآمد حلال صورت گرفته، اما تأکید بیشتر این کتاب بر روی کارآفرینی و نوآوری متمرکز شده است (Jafari,2019) و نتوانسته آن‌گونه که باید، موجب رشد مؤلفه‌های فرهنگ اقتصادی در میان دانش‌آموزان شود. لازم به توضیح است که نظام آموزشی ژاپن با رشد دادن مؤلفه‌های فرهنگ اقتصادی، به عاملی برای رشد سریع اقتصاد این کشور بدل شده است (Self,2003). جدول زیر مقایسه‌ای است از عناوین کتاب‌های درسی مقطع متوسطه‌ی اول در کشور ژاپن با جمهوری اسلامی ایران.

جدول ۳: مقایسه عناوین کتاب‌های درسی مقطع متوسطه اول در ژاپن و ایران

عناوین کتاب‌های مقطع متوسطه اول در کشور ژاپن	عناوین کتاب‌های متوسطه اول در کشور ایران
زبان ژاپنی	آموزش قرآن
مطالعات اجتماعی	فارسی
ریاضیات	نگارش
علوم	ریاضی
هنر	علوم تجربی

تعلیمات دینی مطالعات اجتماعی فرهنگ و هنر عربی کار و فناوری تفکر و سبک زندگی انگلیسی آمادگی دفاعی	سلامت و تربیت بدنی فناوری و اقتصاد خانه زبان های خارجی
---	--

بررسی ها به روشنی نشان می دهد که کتاب های درسی مقطع متوسطه ی اول در جمهوری اسلامی ایران به مراتب سنگین تر و پرمحتواتر از کتاب های درسی دانش آموزان ژاپنی است. این موضوع به وضوح در تفاوت میان ساعات آموزشی نیز خود را نشان می دهد.

جدول ۴: مقایسه میزان ساعات آموزشی مقطع متوسطه ی اول در کشور ژاپن و جمهوری اسلامی ایران

مجموع ساعات آموزشی مقطع متوسطه اول در ژاپن	مجموع ساعات آموزشی مقطع متوسطه اول در کشور ایران
۱۰۱۵ ساعت	۱۱۱۰ ساعت

از جمله نقدها به برنامه ی درسی ملی می توان به "جانمایی نامتوازن دروس" اشاره کرد. به طور مثال، مشابه سرفصل های کتاب "سلامت و تربیت بدنی" در کشور ژاپن، کتاب "سلامت و بهداشت" در آموزش و پرورش کشورمان وجود دارد، اما قرار گرفتن آن در پایه ی دوازدهم و سال آخر حضور دانش آموزان در مدرسه موجب شده است که این کتاب نتواند نقش خود را به عنوان عاملی "فرهنگ ساز و جریان ساز در حوزه ی سلامت" به درستی ایفا کند. همچنین خالی بودن سبدها مطالعاتی دانش آموزان دوره ی متوسطه ی اول از کتابی تخصصی با سرفصل های سلامت و آشناسازی دانش آموزان با "اهمیت تربیت بدنی و حفظ سلامتی" از جمله نگرانی هاست (Izadi,2011).

نتیجه گیری

مقایسه ی تطبیقی جایگاه هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه های درسی ایران و ژاپن، نمایانگر تلاش های هر دو کشور برای تقویت این مفاهیم به شیوه ای سازگار با شرایط فرهنگی و اجتماعی خود است. این مقایسه نه تنها تفاوت های فرهنگی و آموزشی این دو کشور را برجسته می کند، بلکه فرصت هایی را برای بهبود و همگامی با چالش های جهانی فراهم می آورد. در ایران، هویت فرهنگی به شدت تحت تأثیر تاریخ و دین قرار دارد. برنامه های درسی ایرانی به طور گسترده ای بر آموزش های اسلامی و تاریخ ایران تأکید دارند که هدف آن تقویت هویت ملی و دینی است (Taleghani,2017). دروس دینی، تاریخ، و ادبیات فارسی ابزارهایی هستند که برای انتقال و تقویت ارزش های فرهنگی و دینی استفاده می شوند (Miller,2005). این رویکردها به حفظ و تقویت هویت ملی و مقابله با تأثیرات جهانی شدن و تغییرات فرهنگی کمک می کند (Panjwani,2018).

در ژاپن، هویت فرهنگی از طریق تأکید بر ارزش‌های سنتی و ملی‌گرایانه تقویت می‌شود. برنامه‌های درسی ژاپن، به‌ویژه در دروس مطالعات اجتماعی و تاریخ، نقش کلیدی در انتقال ارزش‌های ژاپنی از جمله احترام به سنت‌ها، اهمیت خانواده، و هماهنگی اجتماعی دارند (Leung, 2004). این ارزش‌ها به‌صورت عمیق در ساختار آموزشی ژاپن نهادینه شده‌اند و به شکل‌دهی هویت فرهنگی نسل‌های آینده کمک می‌کنند (Kobayashi, 2010). در ایران، برنامه‌های درسی به‌طور عمده بر آموزش‌های اخلاقی و دینی تأکید دارند که هدف آن تربیت دانش‌آموزانی است که به اصول اسلامی و اجتماعی پایبند باشند (Smith, 1991). این رویکردها شامل آموزش‌هایی درباره‌ی احترام به بزرگ‌ترها، رعایت آداب اجتماعی، و تقویت اخلاق فردی است (Taleghani, 2017). برنامه‌های درسی ایرانی با هدف تقویت انسجام اجتماعی و اخلاقی در جامعه طراحی شده‌اند و به تربیت دانش‌آموزانی کمک می‌کنند که در قالب هنجارهای اجتماعی و دینی عمل کنند. (Zandian, 2019)

در ژاپن، رفتار اجتماعی از طریق آموزش‌های گروهی و مشارکتی تقویت می‌شود. برنامه‌های درسی ژاپن بر روی کار گروهی، احترام به هنجارهای گروهی، و همکاری تأکید دارند. این رویکردها، دانش‌آموزان را به سمت رفتارهای اجتماعی هماهنگ و مؤثر در جامعه هدایت می‌کنند (Bandura, 1977). همچنین، فعالیت‌های گروهی و تمرین‌های اجتماعی در کلاس‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی و همکاری را بهبود بخشند و به رفتارهای جمع‌گرا و اجتماعی پایبند باشند (Kawashima, 2011). باوجود تلاش‌های هر دو کشور برای حفظ و تقویت هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی، چالش‌هایی نیز وجود دارد.

در ایران، یکی از چالش‌های عمده حفظ هویت فرهنگی در برابر تأثیرات جهانی شدن و تغییرات سریع اجتماعی است. نیاز به بازنگری در برنامه‌های درسی و تطبیق آن‌ها با شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی احساس می‌شود (Taleghani, 2017). در ژاپن نیز چالش اصلی حفظ ارزش‌های سنتی در مواجهه با تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی است. این چالش‌ها نیازمند رویکردهای نوآورانه و انعطاف‌پذیر در طراحی برنامه‌های درسی هستند (Kawashima, 2011).

در نهایت، مقایسه‌ی تطبیقی جایگاه هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه‌های درسی ایران و ژاپن نشان می‌دهد که هر دو کشور، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای به این مفاهیم می‌دهند. ایران و ژاپن با توجه به شرایط فرهنگی، تاریخی و اجتماعی خود، رویکردهای متفاوتی را برای تقویت هویت فرهنگی و رفتار اجتماعی در برنامه‌های درسی خود به کار می‌برند. این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی در هر دو کشور کمک کند تا با بهره‌گیری از تجربیات موفق و درس‌آموخته‌های یکدیگر، برنامه‌های درسی مؤثرتری برای تربیت نسل‌های آینده طراحی کنند. به‌طور خلاصه، این مقایسه‌ی تطبیقی می‌تواند به سایر کشورها نیز در طراحی و بهبود برنامه‌های درسی کمک کند تا با توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خود، برنامه‌هایی مؤثر و متناسب با نیازهای نسل‌های آینده توسعه دهند.

منابع

- Loqman Nia, M., Khamsan, A., Ayati, M., & Khalifeh, M. (2011). Identifying components of national identity in curricula based on the grounded theory method. *Educational Innovations*, 10(40), 33-56.
- Malaeinejad, A., & Zekavati Qaragozlou, A. (2008). A comparative study of teacher education curriculum systems in the UK, Japan, France, Malaysia, and Iran. *Educational Innovations*, 7(26), 17-24.
- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*.2(1),156-158.
- Bonilla-Silva, E. (2006). Racism without racists: Color-blind racism and the persistence of racial inequality in the United States. *Science and Society*, 70(3), 431-434.
- Bourdieu, P. (1993). *The field of cultural production: Essays on art and literature*. Columbia University Press.
- Campbell, A. (2010). Cultural identity as a social construct. *Journal of Intercultural Education*, 11(2), 31-39.
- Durkheim, E. (2018). The division of labor in society. In *Social stratification* (pp. 217-222). Routledge.
- Farahani Farmehini, Sh. (2020). Examining strategies to improve break time management in middle school. *Applied Research in Human Sciences Management*, 1(1), 43-58.
- Giroux, H. (1992-1993). *Border crossings: Cultural workers and the politics of education*. Routledge Press.
- Heydari, A. (2019). The problem of state-building and policymaking in post-revolutionary Iranian education. *Education and Training*, 35(4), 65-85.
- Isozaki, T. (2018). Science teacher education in Japan: Past, present, and future. *Asia-Pacific Science Education*, 4, 1-14.
- Izadi, S., Abedi, M., Belterk, & Mansouri, S. (2011). Content analysis of physical education in elementary school textbooks. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 7(13), 27-40.
- Jafari Harandi, R. (2019). Evaluation of the content of the ninth-grade Work and Technology textbook regarding attention to entrepreneurship concepts. *Research in Curriculum Planning*, 16(36), 48-63.
- Kawashima, Y. (2011). *Educational innovation and social development in Japan*. Springer.
- Kimura, D., & Tatsuno, M. (2017). Advancing 21st-century competencies in Japan. *Asia Society: Center for Global Education*, 1-37.
- Kobayashi, S. (2010). The role of cultural education in Japan: An overview. *Japanese Educational Review*, 25(3), 89-101.

- Leung, K., & Bond, M. H. (2004). Social axioms: A model for social beliefs in multicultural perspective. *Advances in Experimental Social Psychology*, 36, 119-197.
- Maleki, H. (2010). Critique and evaluation of the foundations of Iran's National Curriculum based on innate nature indicators. *Iranian Journal of Curriculum Studies*, 5(18), 32-61.
- McCoy, D. C., Waldman, M., Team, C. F., & Fink, G. (2018). Measuring early childhood development at a global scale: Evidence from the Caregiver-Reported Early Development Instruments. *Early Childhood Research Quarterly*, 45, 58-68.
- Mehrmohammadi, M., & Amin Khandeghi, M. (2009). Comparing Eisner's and Miller's curriculum ideologies: A different perspective. *Educational and Psychological Studies*, 10(1), 25-47.
- Miller, J. (2005). The Islamic educational system in Iran: An overview. *Middle Eastern Education Journal*, 12(4), 23-39.
- Nakayasu, C. (2016). School curriculum in Japan. *The Curriculum Journal*, 27, 134-150.
- Omar, A. (2016). Read-aloud technique to enhance pre-school children's vocabulary in a rural school in Malaysia. *Southeast Asia Early Childhood Journal*, 5, 17-27.
- Panjwani, M. (2018). Globalization and cultural identity in the Iranian context. *Iranian Journal of Educational Research*, 8(1), 45-62.
- Parvandi, Y., & Balbasi, M. (2020). Crisis in Iran's Social Security Retirement Funds and national security. *Socio-Cultural Strategy*, 9(36), 103-135.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
- Rostaqi Najafi, H., & Dehghanian, H. (2017). Promoting anti-smuggling culture with a public policy approach and using religious principles. *Journal of Hidden Economy*, 2(2), 37-68.
- Sarлак, S. A., & Farshad, K. (2021). Explaining challenges in educational sports with emphasis on -directing students' lifestyles. *Journal of Sports Sociology*, 7(18), 125-139.
- Self, S., & Grabowski, R. (2003). Education and long-run development in Japan. *Journal of Asian Economics*, 14(4), 565-580.
- Smith, A. D. (1991). *National identity*. University of Nevada Press.
- Soltan-al-Qaraei, Kh., & Soleiman Nejad, A. (2008). Critical thinking and the necessity of its teaching in the classroom. *Islamic Education*, 3(6), 181-195
- Taleghani, M. (2017). Educational policies and cultural identity in Iran: A review. *Journal of Social and Cultural Studies*, 14(2), 77-91.
- Wilkinson, R., & Pickett, K. (2009). *The spirit level: Why more equal societies almost always do better*. Allen Lane.

-Yamaoka, M., Asano, T., & Abe, S. (2010). The present state of economic education in Japan. *The Journal of Economic Education*, 41(4), 448-460.

-Zandian, M. (2019). Ethical education and social behavior in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 19(2), 101-118.